

در آستانه رای گیری بر سر اساسنامه در کمیته هماهنگی

بهزاد سهرابی

بیست هفتم آذرماه هشتاد و شش

اساسنامه‌ی موجود کمیته هماهنگی که در بردارنده‌ی استراتژی سازمان لغو کار مزدی در راستای چگونگی ایجاد تشکل مورد نظرشان بود اکنون در کمیته هماهنگی به چالش کشیده شده است. در این موقعیت حتی محسن حکیمی و سایر فعالین گروه لغو کار مزدی ناچار شده اند در رویارویی با مخالفت عمومی اکثریت اعضا، گام به گام عقب نشینی کنند و از حمایت از اساسنامه‌ی که بر مبنای دیدگاه‌های سازمان لغو کار مزدی استوار بود دست بکشند. آنها در آخرین مجمع عمومی خود اساسنامه‌ی را مطرح کردند که در آن از مواضع سازمان لغو کار مزدی که در اساسنامه قبلی هم ذکر شده بود تقریباً عبارت "تشکل ضد سرمایه داری" باقی مانده است.

فعالین سازمان لغو کار مزدی در یک نا بهنگامی دوره‌ای با آنکه در کمیته هماهنگی همواره در اقلیت بودند توانستند مقدرات و مواضع خود را بر فعالیت‌ها و مواضع این کمیته برقرار کنند و هیچ ابایی نداشتند که به هر شکل ممکن کمیته هماهنگی را تشکل خود معرفی کرده و حتی سایت این کمیته را بگونه‌ای اداره کنند که تفاوتی با سایت‌های سازمانی خودشان نداشته باشد. در ادامه‌ی چنین برخوردهایی است که یکی از فعالین لغو کار مزدی بنام حیدر کریم اخیراً پا را فراتر گذاشته و در سخنی با کارگران جهان! ادعا کرده است که نه تنها تاریخ تشکیل کمیته هماهنگی سال ۲۰۰۵ (که بیانیه اعلام موجودیت آن همراه با هزاران امضا منتشر شد) نیست، بلکه سخنرانی آقای حکیمی رادر روز کارگرسال ۲۰۰۳ مینا قرار دانسته است!

حیدر کریم در نوشته‌ای به نام "سخنی با کارگران ایران و جهان پیرامون: دو پیش نویس اساسنامه در کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" در دهم دسامبر ۲۰۰۷ نوشته است: "فراخوان تشکیل کمیته هماهنگی در اواخر ماه آوریل سال ۲۰۰۵ میلادی صادر گردیده است اما تاریخ واقعی صدور این فراخوان را باید روز اول ماه مه سال ۲۰۰۳ دانست. در این روز بود که محسن حکیمی در جریان برگزاری مراسم اول ماه این سال در کرج ضمن ایراد سخنرانی، با طرح انتقادات معین نسبت به رفرمیسم راست سندیکالیستی و نگاه رایج رفرمیسم چپ به مسأله تحزب کمونیستی طبقه کارگر ضرورت ایجاد تشکل سراسری ضد سرمایه داری کارگران را به میان کشید."

برای ما اعضا و فعالین کمیته هماهنگی جالب است که از طریق حیدر کریم مطلع میشویم؛ فعالین سازمان لغو کار مزدی در درون سازمانشان چه تصویری نسبت به ما و کمیته هماهنگی دارند و عکس العمل‌های عجیبشان در مقابل مخالفت با مواضع سازمان لغو کار مزدی در کمیته هماهنگی نتیجه چه تصورات و خیالات پوچی بوده است. جالب اینجاست، اشخاصی که تاریخ نه چندان دور ایجاد کمیته‌ی هماهنگی، که همه‌ی ما در رابطه با ایجاد آن نقش داشته و درگیر مسائل آن بوده ایم را با صراحت تحریف کرده و انتظار دارند که ما مطالب عجیبشان را از انقلاب اکتبر و تاریخ جنبش کارگری جهانی باور کنیم!

بعضی جریانات سیاسی حرف و عملشان نزدیک به هم است و اظهار نظر درباره آنها تقریبا ساده است. مشکل اساسی و البته آن هم در کوتاه مدت، اظهار نظر درباره جریاناتی است که حرف و عملشان با هم از زمین تا آسمان فاصله دارد بطوری که وقتی راهنمای چپ را می زنند به راست می چرخند. در قبال این نوع جریانات گذشت زمان کار را راحت می کند. سازمان لغو کار مزدی یکی از این جریانات است و به همین دلیل هر چه زمان می گذرد اظهار نظر درباره عملکرد آنها ساده تر می شود.

اکنون دیگر برای بسیاری از فعالین جنبش کارگری مشخص شده است که عبارت "تشکل ضد سرمایه داری" نزد فعالین لغو کار مزدی تنها پوششی است برای پنهان کردن راست ترین مواضعشان در قبال لیست بلند بالایی از وقایع کارگری در چند ساله اخیر. برای مثال این سازمان

زیر شعار "تشکل ضد سرمایه داری" از خواست برسمیت یافتن سندیکای واحد دفاع نکرده و حتی مانع از آن شدند که در قطعنامه روز کارگر کمیته هماهنگی، (به استثنای قطعنامه منطقه غرب در سال گذشته) این خواست عنوان شود و در ادامه با کمپین جهانی در دفاع از سندیکای واحد در فوریه سال گذشته مخالفت کردند. این سازمان تحت پوشش "تشکل ضد سرمایه داری" از برگزاری مراسم روز کارگر امسال تهران که شورای همکاری در سازمان دادن آن نقش برجسته ای داشت و به یک راهپیمایی پرشکوه منجر شد حمایت نکرده و رسوایی را به حدی رساندند که در مراسم هم شرکت نکردند!

فعالین لغو کار مزدی که خود دم از لزوم فعالیت علنی می زنند و از بکار نبردن اسامی مستعار دفاع کرده به گونه ای که به کسانی که از اسامی مستعار استفاده می کنند بد و بیراه می گفتند، در یازدهم آذر امسال مطلبی منتشر کردند با عنوان "درباره دو پیش نویس اساسنامه پیشنهادی به مجمع عمومی" که امضای آن ممهورشده به عبارت "جمعی از کارگران و فعالان ضد سرمایه داری". علیرغم اینکه مضمون این نوشته نشان میدهد که از مسائلی که در مجمع عمومی اتفاق افتاده مطلع هستند اما روشن نیست که چند نفرند، آیا همگی و یا بعضا عضو کمیته هماهنگی هستند یا خیر و اگر عضو کمیته هماهنگی هستند و از آنجا که کمیته هماهنگی علنی است چرا اسامی خود را علنا اعلام نکرده تا سایر اعضا کمیته هماهنگی به گونه ای شفاف با نظراتشان مواجه شده و از همه مهمتر همه مطلع باشند که اساسنامه پیشنهادی آنها چند مدافع دارد و در مجموع چند درصد اعضا را نمایندگی می کنند. در ادامه چنین رفتارهای مبهمی است که در تاریخ ۸۶/۸/۲۳ اطلاعیه ای در دفاع از مواضع فعالین سازمان لغو کار مزدی در کمیته هماهنگی منتشر شده است که امضاء کنندگان آن در ابهام عبارت "چند کارگر علاقه مند" فرو رفته اند. مشخص نیست که چرا محسن حکیمی تاکنون دست به قلم نبرده و علیه آنها و در دفاع از بی تاثیر بودن چنین حمایتی نامی سرگشاده ای ننوشته و تقاضا نکرده که این عده کارگر علاقه مند اسامی خود را علنا پای مطالبشان بگذارند تا دست کم تعداد آنها به لحاظ کمی مشخص شود. آیا فعالین سازمان لغو کار مزدی از مواضع خود درباره بکار بردن اسامی علنی دست کشیده اند و مانند اساسنامه کمیته هماهنگی به اشتباه خود پی برده اند؟

در نهایت با شناخت بیشتر، اعضا کمیته هماهنگی از ماهیت راست مواضع فعالین سازمان لغو کار مزدی، مخالفت با محسن حکیمی و هوادارانش فزونی یافت. فعالین گروه لغو کار مزدی، همانگونه که در سطح علنی نیز کاملا مشهود

است موقعیت گذشته و تاثیر خود را در کمیته هماهنگی از دست دادند. اکنون که دیگر نمی توانند مواضع خود را تحت نام کمیته هماهنگی منتشر کرده و با نام "فعالان جنبش کارگری" بیان کنند. البته ذکر این نکته ضروری است که آنان اعلام نکرده که فعالین سازمان لغو کارمزدی می باشند و از این پس تحت نام "فعالان جنبش کارگری" به صدور اعلامیه مبادرت خواهند کرد. در ادامه مخالفت با مواضع فعالین لغو کارمزدی اکنون و بعنوان آخرین گام بحث بر سراساننامه کمیته هماهنگی متمرکز شده است. اساسنامه آخرین سنگر باقیمانده حکیمی و فعالین سازمان لغو کارمزدی در کمیته هماهنگی است. چرا که مواضع سازمان لغو کارمزدی در مورد چگونگی تشکل کارگری و ماهیت آن در این اساسنامه گنجانیده شده است. در مورد اساسنامه نیز مانند موارد سابق حکیمی و هوادارانش از موقعیت خود میلی متر به میلی متر دفاع می کنند و هنگامی از مواضع خود عقب می نشینند که مطلقاً غیر قابل دفاع باشد. تغییر اساسنامه از مدتها قبل در دستور مباحث درونی اعضای کمیته هماهنگی و جلسات هیات اجرایی آن بوده است. به همین منظور پیشنهادی اساسنامه ای که می تواند حاوی نظرات اکثریت هیات اجرایی باشد آماده شده است. منتها روش برخورد محسن حکیمی و دیگر فعالین این سازمان بر سر موضوع اساسنامه کاملاً تحت تاثیر و ناشی از ماهیت مواضع و ساختار تشکیلاتی سازمان لغو کارمزدی است و با سنتها و مناسبات درونی تشکیلات کارگری بیگانه است. در جلسات هیات اجرایی که فعالین سازمان لغو کارمزدی با در دستور قرار دادن بحث اساسنامه در جلسه مجمع عمومی مخالفت ورزیده و نهایتاً هم نتوانستند نظر اکثریت را جلب کنند و در یک اقلیت بسیار کوچک ماندند. از نظر آنها مشکلات کمیته هماهنگی متأثر از اساسنامه نیست. از آنجا که چگونگی ایجاد تشکل مورد نظر کمیته هماهنگی یعنی راه کار آن که متأثر از مواضع فعالین سازمان لغو کارمزدی است در اساسنامه ذکر شده، مباحث حول اساسنامه کمیته متمرکز شده و گرنه اساسنامه سندی است که مبانی روابط و مناسبات درون تشکیلاتی را توضیح می دهد. بالاخره با پافشاری اکثریت اعضای هیئت اجرائی بررسی اساسنامه در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت.

بعد از مقاومت تا به آخر و ناموفق بر سر در دستور قرار گرفتن اساسنامه در دستور مجمع عمومی، فعالین سازمان لغو کارمزدی دست بکار شدند و اساسنامه آلترناتیو خود را تهیه کرده و قبل از تشکیل جلسه مجمع عمومی آنرا در اختیار اعضا گذاشتند. اساسنامه پیشنهادی فعالین سازمان لغو کارمزدی نسخه اصلاح شده اساسنامه فعلی است و یکی از مهمترین نکته حذف کامل بند معروف به بند "د" اساسنامه می باشد که فشرده مواضع لغو کارمزدی بود. بر سر همین بند بود که محسن حکیمی پیشتر به منتقدان این بند و خاصه به بهروز خباز مبادرت به دادن فحشهای سیاسی ایدئولوژیکی کرد. به این ترتیب اساسنامه کنونی کمیته هماهنگی تنها مدافعان خود را که فعالین سازمان لغو کارمزدی بودند از دست داد که به نظر من این یک موفقیت مهم برای موقعیت امروز کمیته هماهنگی است. در جلسه مجمع عمومی، محسن حکیمی درباره بند "د" با "تواضع" خاص فعالین سازمان لغو کارمزدی که ناشی از مواضع متکبرانانه سازمانشان است ابراز داشت: "ما در مورد بند دال اشتباه کردیم و حالا با رویکردی ضد سرمایه داری و نه فرقه ای از خودمان انتقاد می کنیم و آنرا تغییر داده ایم". فعالین سازمان لغو کارمزدی که همواره از زمین و زمان طلب کارند و بر همه فخر می فروشند، حتی اعتراف به نادرستی مواضعشان هم توأم با فحاشی به دیگران است. گویا

اعضای کمیته هماهنگی باید بسیار شکر گذار باشند که فعالین متکبر سازمان لغو کار مزدی صدای اعتراضشان را به بند "د" شنیده اند!

البته این اولین بار نیست که محسن حکیمی و فعالین لغو کار مزدی نظراتشان را کاملاً تغییر میدهند. تغییر نظرات البته با "رویکردی ضد سرمایه داری و نه فرقه ای" جز ثابت مواضع محسن حکیمی در چند ساله اخیر بوده است. و اتفاقاً تغییر دادن نظرات بدون قبول مسئولیت و پرداختن بهای اشتباهات که از مبانی مناسبات درونی سازمان لغو کار مزدی است یکی از دلایل مخالفت هیستریک آنها با احزاب و سازمانهای سیاسی است. در احزاب و سازمانهای سیاسی تغییر نظرات و سیاستها به دنبال جلسات و کنگره ها و اجلاسهای معین است. معلوم نیست بند "د" به دنبال کدام اجلاس سازمان لغو کار مزدی و کدام مباحث پس گرفته شد است ایضا مشخص نیست مسئولین سازمان لغو کار مزدی و مثلاً ناصر پایدار و محسن حکیمی چگونه و برای چه مدتی انتخاب شده اند و چگونه می توان آنها را کنار گذاشت. آیا کنار گذاشته شدن بند "د" باعث کنار گذاشته شدن مدافعان و طراحان آن از مسئولیتهايشان در سازمان لغو کار مزدی شده است یا نه؟ فعالین سازمان لغو کار مزدی با بند "د" چندین سال انرژی فعالین کمیته هماهنگی را آنهم در مساعدترین شرایط به هدر دادند. نه تنها این، فعالین سازمان لغو کار مزدی قصد دارند مناسبات غیر مسئولانه ی درون سازمانی خود را به کمیته هماهنگی هم سرایت دهند. در صورتیکه کمیته هماهنگی تشکل جمعی از فعالین کارگری است و از مناسبات درونی سازمان لغو کار مزدی تبعیت نمی کند تا اشخاص و بطور مثال مانند محسن حکیمی در آن علیرغم تغییر دائمی نظرات و سیاستهایشان و اعتراف به اشتباه بودن آنها از موقعیت جاودانی برخوردار باشند. فعالین سازمان لغو کار مزدی امتحان خود را هم از نظر مواضع و هم از نظر منش سازمانی در کمیته هماهنگی پس داده اند و باید اجازه دهند تا مواضع و نظرات کسانی که در بر سر مسائل و راهکارهای کمیته هماهنگی حرفهایی برای گفتن دارند که خود محسن حکیمی هم به آن معترف است، پیش برود تا اشتباهات و نقایص و ضعفهای احتمالی آنها هم روشن و آشکار گردد.

اکنون اعضای کمیته هماهنگی بیش از دیگر فعالین جنبش کارگری از معنای عملی "تشکل ضد سرمایه داری" مورد نظر فعالین سازمان لغو کار مزدی برخوردار شده اند و آن را تجربه کرده اند. لازم نیست تا اعضای کمیته هماهنگی یکبار دیگر اساسنامه منبعث از مواضع فعالین سازمان لغو کار مزدی را امتحان کنند و دوباره محسن حکیمی در یک مجمع عمومی دیگر تجربه اشتباه بودن آن اعتراف کند. از دست دادن فرصت های گرانبهایی که تحت تاثیر مواضع سازمان لغو کار مزدی از بین رفت، کافی است. اکنون نوبت اکثریت اعضای کمیته هماهنگی است تا تجربه رفتارهای محسن حکیمی و دیگر فعالین لغو کار مزدی در کمیته هماهنگی و همچنین نتایج مواضعی که تحت پوشش "تشکل ضد سرمایه داری" انجام میشود را برای دیگر بخشهای فعالین کارگری که این تجربه را ندارند، توضیح دهند. فعالین سازمان لغو کار مزدی همانطور که در چند سال فعالیت خود در کمیته هماهنگی نشان داده اند فاقد هر نوع سنت و تجربه نظری و عملی مبارزه کارگری هستند. اگر مطابق تجربه نظری و عملی جنبش کارگری بود فعالین سازمان لغو کار مزدی که به اشتباهات خود پی برده اند باید خود داوطلبانه خود را کنار میکشیدند و راه را برای اجرای مواضع و سیاستهایی که اکثریت قاطع اعضا با آن موافقت بازمی کردند. روشی که اکثریت کمیته هماهنگی با صبوری تمام در مقابل اقلیتی که از فعالین سازمان لغو کار مزدی بودند بکار برد، اکنون این یک اقلیت کوچک

بکار نمی برد. و با توجه به عملکردهای گذشته شان انتظار چنین رفتارهایی را نمی توان داشت. اینان اقلیتی هستند که اگر نظراتشان توسط اکثریت پذیرفته نشود همانطور که بارها اعلام کرده اند از کمیته هماهنگی جدا خواهند شد. بعنوان نمونه در چهارمین مجمع عمومی کمیته هماهنگی، محسن حکیمی عنوان نمود که اگر اساسنامه پیشنهادی اش مورد تأیید مجمع عمومی واقع نشود از کمیته هماهنگی خارج خواهد شد چرا که به ادعای وی اساسنامه پیشنهادیش ضد سرمایه داری است و اساسنامه پیشنهادی دیگر چنین خصلتی را دارا نمی باشد! وی خواهان آن بود که بدون اظهارنظر اعضا، اساسنامه پیشنهادی وی تأیید شود". این نمونه ای از دید جنبشی و شورائی محسن حکیمی است که هیچ ربطی به مبارزه و مناسبات درون تشکیلاتی سازمانهای کارگری ندارد. اکثریت کمیته هماهنگی باید افتخار کنند که اصولی ترین و کارگری ترین روش را در مخالفت با مواضع لغو کارمزدی و فعالیت برای تغییر اساسنامه آن بکار بردند. اعضای کمیته هماهنگی در چند ساله گذشته از نتایج موضعی که توسط فعالین سازمان لغو کارمزدی زیر پوشش "تشکل ضد سرمایه داری" بیان میشود مطلع هستند و توهمی نسبت به آن ندارند. منفعت کارگری ایجاب می کند تا اعضای کمیته هماهنگی تجربه عملی و نظری خود را از آنچه که زیر لوای "تشکل ضد سرمایه داری" انجام میشود را در اختیار دیگر بخشهای جنبش کارگری بگذارند.

جنبش کارگری در سطح بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد و یک تاریخ عظیم از شکست و پیروزی را پشتوانه خود دارد و در انقلابات و قیام های بسیاری شرکت داشته است. در قبال چنین تاریخ غنی و پربراری بکار بردن عبارت "تشکل ضد سرمایه داری" را معیار رادیکالیزم و غیر رادیکالیزم نامیدن علاوه بر کودکانه بودن، مضحک نیز هست. همین تجربه چند ساله کمیته هماهنگی نشان میدهد که اکثریت کمیته هماهنگی بدون نام بردن از "تشکل ضد سرمایه داری" مواضعی رادیکال و کارگری داشته و مواضع فعالین لغو کارمزدی راست بوده است و نه چپ. مواضعی که یکی از نتایج آن عدم شرکت در مراسم روز کارگر تهران امسال بود و به یک راهپیمایی بزرگ انجامید، چپ نیست و راست است. مواضعی که در روز جهانی همبستگی با جنبش کارگری ایران نه علیه رژیم بلکه علیه تشکلهای کارگری که مدافع مطالبات امروزی کارگران است، می ایستد، چپ نیست، راست است. کمیته هماهنگی برای محکم کردن پای خود در گرایش سوسیالیست و چپ جنبش کارگری و کمک به متشکل شدن کارگران باید از مواضع فعالین سازمان لغو کارمزدی دوری جوید.

بهزاد سهرابی (عضو کمیته هماهنگی)

۱۳۸۶/۹/۲۷